

مسئولیت مدنی سرپرست صغیر و مجنون

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

بهر روز پرون

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و مشاور حقوقی

چکیده

سرپرست ممکن است به موجب قانون یا بر حسب قرارداد، تکلیف به نگهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر را بر عهده داشته باشد. هر کدام از سرپرستان، اعم از قانونی مانند پدر و مادر یا قراردادی مانند بیمارستان یا مهد کودک، در صورتی که در نگهداری صغیر یا مجنون کوتاهی کنند، مسئول جبران خسارات وارده از طرف آنها خواهند بود. اینکه اگر فرزند نامشروع (ولد زنا) مرتکب ورود خسارت به دیگران شود، پدر یا مادر عرفی او مسئول جبران زیان هستند یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. در حقوق ایران، طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود»، لکن به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ ش. هیئت عمومی دیوان عالی کشور، زانی را پدر عرفی طفل تلقی کرد؛ در نتیجه، کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده او می‌باشد؛ بنابراین، اگر پدر عرفی که سرپرست قانونی طفل به شمار می‌رود، در نگهداری او تقصیر کند و طفل خسارتی به دیگران بزند، پدر عرفی (زانی) طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی عهده‌دار جبران زیان خواهد بود. اگر سرپرست استطاعت جبران خسارت را نداشته باشد، زیان از مال مجنون یا صغیر جبران می‌شود. اینکه آیا صغیر یا مجنون اصالتاً زیان را جبران می‌کنند یا به جانشینی از سرپرست، زیان از مال او جبران می‌شود، اختلاف عقیده وجود دارد؛ به نظر می‌رسد صغیر یا مجنون بتواند پس از جبران خسارت، در صورت ملائت به سرپرست مراجعه کند. در حقوق ایران، نه تنها ماده ۷ ق.م.بگونه‌ای نگارش یافته که متضمن فرضی علیه سرپرستان صغیر یا مجنون نیست و نتوانسته به خوبی حقوق زیان دیدگان را تضمین کند، بلکه محاکم و رویه قضایی نیز، به دلیل عدم طرح صریح مسوولیت سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون در فقه اسلامی، عنایتی باسته به ماده ۷ ق.م. ندارند. لذا، جا دارد که ریشه چنین مسوولیتی را با توجه به قاعده تسبیب در فقه اسلامی جستجو کنیم.

واژگان کلیدی: سرپرست، مجنون یا صغیر، حضانت، مسئولیت مدنی، قیم



بخش اول : کلیات

شاید در بدو امر تصور شود که با توجه به روشن بودن مفهوم پدر و مادر، چه نیازی به این تعریف وجود دارد؛ اما چون مطلب از نظر حقوقی مورد بحث قرار می گیرد، تعیین و تبیین دقیق واژه ها از نظر شناخت مسؤلیت و شخص مسؤل، بسیار مهم است . در سیستم حقوقی ایران، زن و مردی که به وسیله عقد نکاح به یکدیگر مربوط شده و فرزندان ایشان که قانونا و شرعا از این رابطه به وجود آمده اند، اعضای خانواده را تشکیل می دهند . در این مجموعه، مرد رئیس خانواده بوده به موجب ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، بر طفل ولایت دارد . وظیفه مادر در کنار پدر حضانت از طفل و تربیت و نگهداری اوست. بنابراین در حقوق ایران، والدین قانونی به زن و مردی اطلاق می شود که بر اثر نکاح صحیح با یکدیگر مربوط شده و از این رابطه دارای فرزند هستند . هر چند در اجتماع ما با توجه به تعلیمات و اعتقادات مذهبی، قانون و عرف، روابط آزاد و نامشروع، مردود بوده و جرم شناخته می شود. اما سؤالی که مطرح می گردد این است که از نظر مسؤلیت جبران خسارت، آیا فقط والدین قانونی مسؤل هستند، یا اینکه والدین طفل نامشروع هم، قانونا ملزم به جبران خسارات ناشی از عمل فرزند خود می باشند؛ به عبارت دیگر، آیا چنین زن و مردی می توانند به بهانه قانونی نبودن نسب فرزند خود، از مسؤلیت اعمال او نیز شانه خالی کنند؟ پاسخ این است که با توجه به ماده ۷ قانون مسؤلیت مدنی که بطور مطلق اشخاصی را که نگاهداری و محافظت کودک بر عهده ایشان قرار دارد، مسؤل شناخته، می توان برای چنین زن و مردی (هراگاه سرپرستی کودک بر عهده ایشان باشد) قائل به مسؤلیت بود ، زیرا فقدان نسب قانونی از جهت آثاری مانند ممنوعیت ارث و ملحق نشدن فرزند نامشروع به زانی، مؤثر است اما رافع مسؤلیت والدین نامشروع به عنوان سرپرست کودک نخواهد بود. مضافا براینکه این مسؤلیت ناشی از تکلیف مربوط به نگاهداری و مواظبت از محجور است نه داشتن قرابت با آنها همچنین به موجب قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳، زن و مردی که به عنوان پدر و مادر، سرپرستی طفل را بر عهده می گیرند، مسؤل اعمال زیانبار او خواهند بود. ماده ۷ قانون مسؤلیت مدنی، مسؤلیت صغار و مجانین را بر سرپرست ایشان (در صورت ارتکاب تقصیر



در نگهداری) تحمیل می کند. بدیهی است کودک به نگهداری و مراقبت و تربیت نیاز دارد. هر چند که به فرزند، تا هر سنی که بالا برود، اصطلاحاً فرزند اطلاق می شود، اما تنها مسؤولیت فرزندی که صغیر یا مجنون باشد، بر عهده والدین او خواهد بود. بنابر این پس از خارج شدن از سن صغر، مسؤولیت والدین نیز خاتمه می یابد مگر اینکه فرزند، مجنون باشد که در این صورت، حتی پس از رسیدن به سن رشد و بلوغ تا زمانی که حالت جنون باقی است، مسؤولیت نیز ادامه می یابد. حال این سؤال مطرح می شود که با توجه به مقررات کنونی، در حقوق ایران، تا چه سنی به کودک - اعم از ممیز یا غیر ممیز صغیر اطلاق می شود؛ با توجه به تغییراتی که در مواد قانون مدنی در مورد سن بلوغ به عمل آمد، اینک به موجب تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است و به موجب ماده ۱۲۰۷ این قانون، صغار و مجانین از محجورین محسوب می شوند. در عین حال، تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اعلام می دارد که "اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد". از مطالعه این مواد ممکن است چنین استنباط شود که چون سن بلوغ در قانون معین شده و قانون مسؤولیت مدنی نیز ناظر به مسؤولیت سرپرست این اشخاص است، پس کودکان پس از رسیدن به سن بلوغ یعنی نه سال و پانزده سال، خود مسؤول اعمال خویش هستند و مسؤولیت والدین ایشان در این سن خاتمه می یابد؛ اما به این ظهور نباید اعتماد کرد زیرا: از توجه به تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی که علاوه بر بلوغ، رشد را نیز لازم می داند و همچنین رای وحدت رویه شماره ۳۰-۳/۱۰/۶۴، که پس از رسیدن به سن بلوغ، رشد را نیز برای اداره اموال و دخالت در امور مالی، توسط صغیر لازم می داند استنباط می شود که سن بلوغ هنوز همان ۱۸ سال تمام شمسی است؛ زیرا قانون علاوه بر بلوغ رشد را نیز برای اداره اموال لازم می داند. از این امر استنباط می شود که با رسیدن به بلوغ شرعی، صغیر هنوز درک و قدرت و توان و تصمیم گیری لازم را بدست نیاورده و گرنه پس از رسیدن به سن بلوغ، برای دخالت در امور مالی، اثبات رشد نیز لزومی نداشت. مضافاً بر اینکه قانون مسؤولیت مدنی که در سال ۱۳۳۹ تصویب شده صغار را با توجه به سن بلوغ که در قانون آن زمان ۱۸ سال تمام شمسی بوده، مورد حکم قرار داده،



عملا نیز اینک در دادگاهها به همین ترتیب عمل می شود و سن ۱۸ سال تمام سن بلوغ و رشد، شناخته می شود. همچنین پذیرفتن خلاف این استدلال در عمل، ما را با مشکلات عدیده مواجه می سازد؛ آیا می توان پذیرفت دختری که نه سال تمام قمری یعنی هشت سال و اندی به سال شمسی سن دارد، خود قادر به تصمیم گیری و کنترل اعمال خویش است و نیاز به مراقبت ندارد و آیا می توان والدین چنین طفلی را در صورت ارتکاب تقصیر در نگهداری و مواظبت از فرزند خود، مسؤول ندانست؟ پس بهتر است گفته شود که منظور از صغیر در ماده ۷ قانون مدنی شخصی است که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده است. در این مورد فرقی بین صغیر غیر ممیز یعنی کودکی که قادر به تشخیص نیک و بد نیست، با صغیر ممیز که دارای اراده و ادراک و شعور است، وجود ندارد.

الف - مبنای مسؤولیت - در حقوق ایران ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت والدین را بر مبنای تقصیر قرار داده است. والدین به عنوان کسانی که معمولا با فرزندان خود زندگی کرده و از آنها نگهداری می کنند وظایفی را بر عهده دارند که هر گاه در انجام آن کوتاهی کنند، مقصر بوده مسؤول شناخته می شوند. با توجه به ماده ۷ مذکور، می توان گفت که مسؤولیت والدین به سبب وظیفه نگهداری و سرپرستی از کودک است نه به جهت دارا بودن عنوان پدر یا مادر، بهمین علت هر گاه کودک با والدین خود زندگی نکند یا موقتا به دیگری سپرده شده باشد، در طول این مدت والدین مسؤول اعمال او نخواهند بود مگر اینکه ثابت شود، کودک خود را به کسی سپرده اند که قدرت و صلاحیت نگهداری او را نداشته است. در این صورت سپردن کودک به افراد فاقد صلاحیت، خود نوعی تقصیر محسوب می شود. ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، با بیان مسؤولیت کسانی که اطفال و مجانین را نگهداری می کنند و مسؤولیت کارفرمایان و دولت در قبال اعمال کارگران و مستخدمان، مسؤولیت ناشی از عمل غیر را پذیرفته است. مسؤولیت ناشی از عمل غیر، وسیله ای است برای بهتر جبران شدن خسارت در موردی که عامل ورود خسارت، معمولا قادر به جبران آن نیست. نگهداری و مواظبت، مفاهیمی نسبی است که نمی توان تعریف کلی و قاطعی از آن بدست داد. نگهداری و مواظبت، انجام اموری است که با توجه به سن و حالات روحی کودک و جنسیت او باید



انجام شود. این امر جنبه شخصی ندارد بلکه به طور نوعی، اعمالی که برای نگهداری و محافظت کودک در سن معین باید انجام شود، ضابطه تعیین حدود این تکلیف است. بعضی حقوقدانان عقیده دارند "نگهداری" بیشتر در موردی به کار می رود که سرپرست در محل سکونت خود از کودک یا مجنون پذیرایی کرده و هزینه های مربوط به احتیاجات او را می پردازد. ولی "مواظبت" به سرپرستی معنوی و هدایت کودک و نظارت بر معاشرت و تعلیم و تربیت گفته می شود. به نظر می رسد آنچه در مورد مفهوم مواظبت گفته شده بیشتر با مفهوم تربیت منطبق است و بهتر است دو مفهوم نگهداری و مراقبت را مترادف دانسته هدایت معنوی را بر تربیت حمل نماییم. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران نیز تعریفی از نگهداری به دست نداده و آن را، هم حق و هم تکلیف والدین دانسته است. در تعریف و شناسایی حدود نگهداری و مواظبت، عرف نقش مهمی دارد؛ مثلا نحوه نگهداری از یک کودک ۲ ساله با مواظبت از فرزند ۱۵ ساله یکسان نیست؛ همچنین در محلات مختلف با فرهنگهای گوناگون، این مفاهیم دگرگون می شود و مثلا اعمالی که برای نگهداری کودک در شهرها لازم است، معمولا در روستاها انجام نمی شود و عدم رعایت آن هم تقصیر به حساب نمی آید. آموزش نیز یکی از وظایف والدین است، مثلا والدین می بایست خطرات ناشی از بازی با آتش یا وسایل خطرناک را به کودکان خود گوشزد کنند. سپردن وسایل خطرناکی مانند تفنگ بادی به کودکان و آزاد گذاشتن آنان در استفاده از آن در کوچه و خیابان، تقصیری است که والدین به سبب ارتکاب آن مسؤول جبران خسارت شناخته می شوند. هنگامی که والدین برای ساعاتی از روز کودک خود را به مؤسساتی می سپارند، باید دقت کنند این اشخاص دارای صلاحیت باشند. هر گونه اهمال و بی توجهی در این راه تقصیر به حساب می آید. پدر یا مادری که کودک ۶ ساله خود را به پیر زنی ناتوان و بیمار که یارای مراقبت از او را ندارد، می سپارند، مقصر هستند؛ در حالیکه اگر همین کودک را به شخصی صالح یا مؤسسه ای معتبر بسپارند، در صورت ایجاد خسارت توسط کودک، خود مسؤول خواهند بود نه والدین؛ زیرا در این راه تقصیری را نمی توان به والدین نسبت داد. گفته شد که والدین علاوه بر نگهداری از کودک، مکلف به تربیت کردن او نیز هستند. حال این سؤال مطرح می شود که آیا تربیت



نکردن کودک نیز، تقصیر محسوب می‌گردد؟ امروزه تربیت، مفهومی گسترده و متغیر دارد. مسلماً تربیت در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش مهمی ایفا می‌کند، حضرت علی «علیه السلام» در نهج البلاغه فرموده‌اند: فرزند را بر پدر، و پدر را بر فرزند حقی است، حق پدر بر فرزند این است که او را نام نیکو نهد و خوب تربیت کند و به او قرآن پیام‌آموزد مسلم است که تربیت ناصحیح، در رفتار و آینده کودک بسیار مؤثر است و ممکن است او را به سوی ارتکاب جرایم و قانون شکنی سوق دهد. کلیه خساراتی که کودک به بار آورده اعم از خسارات مادی یا معنوی، باید بوسیله والدین مقصر جبران شود. ماده ۷ مذکور نحوه جبران خسارت را بیان کرده است؛ به موجب این ماده در درجه اول، والدین مسؤول جبران خسارت هستند ولی در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از خسارت را نداشته باشند، خسارت وارده از مال صغیر یا مجنون جبران می‌شود ولی در هر حال چه خسارت از مال کودک جبران شود و چه والدین مسؤول جبران آن باشند، این ترتیب از این جهت اتخاذ شده که خسارت را کودک به بار آورده و هر چند قانون، والدین او را مسؤول جبران خسارت می‌داند، برای رعایت حال شخص مسؤول، جبران خسارت را خارج از حد توان و قدرت بر او تحمیل نمی‌کند. در این صورت هرگاه جبران خسارت سبب عسرت والدین یا کاهش شدید مال کودک گردد، می‌توان از دادگاه درخواست نمود که برای پرداخت خسارت، قرار اقساط دهد.

مطلب قابل ذکر اینکه هرگاه کودک بدون تقصیر والدین خود با لمباشه مالی را تلف کرده باشد، به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی که اعلام داشته "هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است"، خسارت باید از مال خود صغیر یا مجنون جبران شود. و چون والدین مرتکب تقصیر نشده‌اند، نمی‌توان آنان را مسؤول جبران خسارت دانست. هرگاه کودک یا مجنون مالی نداشته باشند، جبران خسارت به صورت دین در ذمه ایشان باقی می‌ماند تا دارای اموالی گردند ولی در هر حال خسارت از اموال والدین قابل جبران نیست. اما هرگاه کودک سبب، ورود خسارت شده باشد، چون مورد از مواردی است که سبب اقوی از مباشر است، خود سبب، مسؤول خواهد بود مگر اینکه کودک صغیر ممیز بوده و سبب آگاه از صغر او نباشد؛ که در این صورت خود کودک، و در صورت تقصیر، والدین او مسؤول



خواهند بود. مثلاً هرگاه شخصی، اتومبیل خود را در اختیار پسر شانزده ساله ای قرار دهد و این کودک با اتومبیل تصادف کند، مالک اتومبیل مسؤول زیان وارد به خود است مگر اینکه ظاهر این پسر چنان باشد که ۱۹ ساله نشان دهد و هر شخصی در آن شرایط مرتکب این اشتباه شود. به طریق اولی هرگاه شخص مال خود یا دیگری را در اختیار صغیر غیر ممیز قرار دهد و او آن را تلف یا ناقص کند، صغیر مسؤول نخواهد بود. ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، در این مورد مقرر داشته: "هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز یا مجنون دهد صغیر یا مجنون مسؤول تلف یا ناقص شدن آن مال نخواهد بود.

بخش دوم: مفهوم و مصادیق سرپرست

معنای لغوی سرپرست با مفهوم حقوقی آن یکسان است. سرپرست در لغت به معنای «مواظب و مراقب» آمده و یا «آن که عهده دار مواظبت و نگهداری شخص، شیء یا مؤسسه‌ای» باشد. در اصطلاح حقوقی، سرپرست به شخصی گفته می‌شود که نگهداری و مواظبت و اداره امور افرادی را که به لحاظ صغر سن، جنون یا سفاهت نیاز به سرپرست دارند، به عهده دارد. دکتر جعفری لنگرودی، سرپرست را منحصر به «قیم» دانسته‌اند و سرپرستی را به جای «قیمومت» به کار برده‌اند. در حالی که سرپرست معنای وسیع‌تری از قیم دارد و وصی و به تعبیری، امین را هم در برمی‌گیرد. قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب اسفندماه سال ۱۳۵۳ ش. در ماده ۲ سرپرستی را به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار کرده است و در ماده ۱۲ وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی را از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر دانسته است و تبصره این ماده، اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر را به عهده سرپرست گذاشته است. بر حسب اینکه منشأ تعهد به نگهداری و مواظبت از مجنون و صغیر، قانون باشد یا اینکه این تعهد از قرارداد نشأت گیرد، سرپرستی به «قانونی» و «قراردادی» تقسیم می‌شود. به همین دلیل، قسمت نخست ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته است: «کسی که نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد





الف) اشخاص حقیقی: در بین اشخاص حقیقی افراد مختلفی به نگهداری از صغیر یا مجنون مکلف می‌باشند که به ترتیب اولویت به معرفی آنان می‌پردازیم:

۱- پدر و مادر: نخستین کسانی که تکلیف به نگهداری از اطفال صغیر خود دارند، پدر و مادر هستند. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابرین است». مبنای مسئولیت پدر و مادر طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تقصیر در نگهداری یا مواظبت است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا نگهداری و مواظبت دو امر جداگانه است یا اینکه این دو، دو اصطلاح مترادف با یکدیگر است. به نظر دکتر کاتوزیان، نگهداری و مواظبت با یکدیگر متفاوت است، ایشان معتقدند نگهداری بیشتر در مواردی به کار می‌رود که سرپرست در محل سکونت یا کار خود، از کودک پذیرایی می‌کند و تربیت او را به عهده دارد، ولی مواظبت به سرپرستی معنوی و هدایت کودک یا دیوانه و نظارت بر رفتار و معاشرت و تعلیم و تربیت او گفته می‌شود. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی و بعد آن، این نظر را تأیید می‌کند. در این مواد که از نگهداری به حضانت نیز تعبیر شده، به وضوح استنباط می‌گردد که نگهداری شامل تربیت طفل هم می‌شود؛ چنان که ماده ۱۱۷۸ به صراحت آن را بیان کرده است. تا هنگامی که پدر و مادر با یکدیگر زندگی می‌کنند و فرزند تحت نگهداری آنان است، چنانچه بر اثر کوتاهی در نگهداری، خسارتی به دیگری وارد شود، هر دو مسئول جبران خسارت هستند. البته در اینکه این مسئولیت تضامنی است یا بالمناصفه اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به اینکه تضامن در حقوق ما استثناست، به نظر می‌رسد مسئولیت تنصیفی بیشتر منطبق بر قانون باشد، لکن اگر پدر و مادر به هر علتی، خواه طلاق یا دلیل دیگری، جدا از یکدیگر زندگی کنند، کسی که نگهداری به موجب قانون یا به حکم دادگاه بر عهده اوست، مسئول جبران خسارت است.

در حقوق ایران، هر چند برابر ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، طفل متوگد از زنا به زانی ملحق نمی‌شود، لکن مطابق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۳ به جز توارث، کلیه تکالیف پدر و مادر درباره فرزند نامشروع همانند فرزند مشروع است. با توجه به مفاد این رأی که مانند قانون برای تمام دادگاهها و سایر مراجع لازم‌الاتباع

است، تکلیف مربوط به نگهداری طفل طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی و بعد آن، در مورد اطفال نامشروع هم مجری می‌باشد و چنانچه این اطفال به علت رأی مزبور که بر اثر صدور دو رأی معارض از شعب ۲۲ و ۳۰ دیوان عالی کشور در مورد گرفتن شناسنامه برای فرزند نامشروع صادر شده است، بدین شرح است: «به موجب بند «الف» ماده ۱ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوین طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است، لکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید، با استفاده از عموماً و اطلاق مواد یادشده و مسئله ۳ و مسئله ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله زانی، پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است. لذا رأی شعبه سی‌ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور موافق و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می‌گردد»^۱ تقصیر در نگهداری، مرتکب ورود خسارت به دیگران شوند، مورد مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی خواهند بود و پدر و مادر عرفی آنها مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. دکتر امامی تکلیف به نگهداری فرزند نامشروع را برای پدر و مادر طبیعی بر مبنای قاعده تسبیب می‌داند و معتقدند چون پدر و مادر طبیعی (عرفی) موجب ایجاد طفل شده‌اند، تکلیف آنان به نگهداری از او مانند تکلیف ناشی از نسب قانون است.

۲- جد پدری: طبق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد. همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون وی، متصل به صغر باشد. به طوری که ملاحظه می‌شود، در این ماده، قانونگذار ولایت طفل صغیر را به عهده جد پدری گذاشته است. ولایت با حضانت تفاوت دارد. حضانت، مربوط به نگهداری و تربیت طفل و ولایت، ناظر به اداره اموال اوست. این تفاوت از ماده ۱۱۷۱ قانون



مدنی به روشنی استنباط می‌گردد؛ بنابراین، در صورتی که بعد از فوت پدر، مادر طفل و جد پدری هر دو در قید حیات باشند، نگهداری طفل با مادر و اداره اموال او با جد پدری است. در اینکه آیا بعد از فوت پدر و مادر، حضانت طفل به جد پدری می‌رسد یا وی هیچ اولویتی بر سایر خویشاوندان طفل ندارد، اختلاف نظر است.^۱ با توجه به اینکه ولایت معمولاً با حضانت همراه است، به نظر می‌رسد بعد از فوت پدر و مادر، نگهداری طفل صغیر تکلیف جد پدری باشد. چنانچه نامبرده در انجام این تکلیف کوتاهی کند و طفل خسارتی به دیگران بزند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، جبران خسارت بر عهده جد پدری خواهد بود.

۳- وصی: ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی مقرر داشته است: هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشد، وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید. با وجود این، اگر مادر در قید حیات باشد و عدم صلاحیت وی برای حضانت طفل اثبات نشده باشد، وصی دخالتی در نگهداری طفل صغیر نخواهد داشت و فقط در اداره اموال او دخالت می‌کند؛ این موضوع، از ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی به وضوح استنباط می‌گردد. ولی قهری می‌تواند به جای یک نفر، چند نفر را به عنوان وصی تعیین کند. در صورت تعدد اوصیا، باید مجتمعاً به وصیت عمل کنند مگر اینکه به هر کدام از آنها استقلال عمل داده شده باشد. چنانچه نگهداری طفل صغیر با وصی باشد و او در نگهداری کوتاهی کرده باشد و طفل خسارتی به دیگری بزند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، وصی مسئول خواهد بود. اگر اوصیا متعدّد باشند، در اینکه آیا مسئولیت آنان تضامنی است یا بالمناصفه مسئول اند، جای بحث و تأمل وجود دارد. ممکن است با استفاده از ملاک ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، آنها را متضامناً مسئول بدانیم، لکن با توجه به اینکه تضامن در حقوق ما استثناست، فرض تناصف با قانون منطبق تر است؛ هر چند تضامن به لحاظ اینکه خسارت را بهتر جبران می‌کند با عدالت سازگارتر است.

۴- قیم: قیم هم مانند وصی در صورتی که مادر طفل صغیر زنده باشد، هیچ دخالت و مسئولیتی در نگهداری او ندارد و فقط اداره اموال طفل را عهده‌دار است، لکن چنانچه مادر طفل زنده نباشد، نگهداری او نیز به عهده قیم است. بدیهی است که قیم هم مانند سایر

سرپرستان در صورت تقصیر در نگهداری طفل، مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی خواهد بود.

ب) اشخاص حقوقی: اشخاص حقوقی که به موجب قانون به نگهداری صغیر یا مجنون مکلف می‌باشند، بسیار محدودند. لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور که در جهت تحقق بخشیدن به اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲۴ ش. به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسید، یکی از وظایف مهم این سازمان را حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی سرپرست دانسته است. تقصیر این سازمان در نگهداری اطفال بی سرپرست می‌تواند از مصادیق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی باشد؛ بنابراین، چنانچه کودکان خیابانی فاقد سرپرست قانونی باشند و سازمان بهزیستی در جمع‌آوری و نگهداری آنان اقدامی نکند، مسئول خساراتی است که از ناحیه این اطفال به دیگران وارد می‌شود. حتی در سال ۱۳۷۶ ش. قانونگذار قیومت محجوران تحت سرپرستی این سازمان را تا تعیین قیم از طرف دادگاه صالح برای آنان به عهده سازمان بهزیستی واگذار کرده است. همچنین می‌توان از دبستانهای دولتی و به طور کلی، آموزش و پرورش به عنوان شخصیت حقوقی حقوق عمومی دیگری که نگهداری از اطفال صغیر به عهده آن است، نام برد. طبق اصل ۳۰ قانون اساسی «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». اجرای این وظیفه قانوناً به عهده آموزش و پرورش می‌باشد؛ بنابراین، چنانچه اطفال صغیر در اوقاتی که در مدارس تحت تعلیم و تربیت هستند، به علت عدم توجه کافی در نگهداری، خسارتی به دیگران بزنند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مدرسه یا آموزشگاه مسئول جبران خسارت خواهد بود.

سرپرست قراردادی: منشأ این نوع سرپرستی مستقیماً قانون نیست، بلکه قراردادی است که بین اولیای صغیر یا مجنون با شخص دیگری منعقد می‌شود. این قرارداد ممکن است کتبی باشد یا شفاهی، کوتاه مدت باشد یا طولانی. موضوع این قرارداد ممکن است مستقیماً نگهداری و مراقبت از صغیر یا مجنون باشد؛ مانند قراردادهایی که با تیمارستانها و یا پرستارهای خصوصی



برای نگهداری مجنون منعقد می‌گردد یا قراردادهایی که با مهد کودکانها و کودکانها برای نگهداری اطفال صغیر بسته می‌شود، یا اینکه شورای انقلاب تا هنگام تشکیل مجلس شورا، وظیفه قانونگذاری را به عهده داشت. موضوع اصلی قرارداد نگهداری و مراقبت نبوده، بلکه امر دیگری از قبیل تعلیم و تربیت، آموزش حرفه یا هنر خاصی به صغیر باشد؛ مانند اینکه صغیر را برای فراگرفتن زبان خارجی یا آموختن موسیقی به شخص یا مؤسسه‌ای بسپارند، در این صورت، نگهداری از طفل جنبه فرعی دارد. در هر صورت چنانچه سرپرست، اعم از نگاهدارنده یا معلم و مربی، در مواظبت و نگهداری از صغیر یا مجنون کوتاهی کند، مسئول خسارتی است که در اثر این کوتاهی به اشخاص ثالث وارد می‌شود. ممکن است در اثر بی‌توجهی سرپرست قراردادی خسارتی به شخص صغیر یا مجنون و یا اموالشان وارد شود. در این فرض، سرپرست قراردادی به لحاظ نقض قرارداد، مسئول جبران خسارت است نه به حکم قانون، یعنی در حقیقت، مسئولیت وی قراردادی است و نیازی به اثبات تقصیر او نیست، بلکه برابر ماده ۲۲۷ قانون مدنی باید وجود یک حادثه خارجی را که نمی‌توان به او مربوط کرد، اثبات کند تا از پرداخت خسارت معاف شود، اما اگر صغیر یا مجنون تحت سرپرستی، خسارتی به اشخاص ثالث وارد کند، مسئولیت سرپرست آنها را نمی‌توان قراردادی دانست؛ زیرا بین شخص زیان‌دیده و سرپرست، قراردادی وجود ندارد تا نقض آن موجب مسئولیت قراردادی متعهد گردد؛ به همین دلیل، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی وجود تقصیر را در این مورد شرط مسئولیت سرپرست دانسته است.

۲- ماهیت و مبنای مسئولیت سرپرست صغیر و مجنون: در باب ماهیت و مبنای مسئولیت کسانی که طبق قانون عهده دار نگاهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیرند: نخست یادآور شویم که از لحاظ ماهیت، مسئولیت این اشخاص مسئولیتی غیر قراردادی است، چه، از عدم اجرای حکم مقنن یا دقیقتر بگوییم از عدم انجام تکالیف عام پیش بینی شده در قانون نشأت می‌گیرد. مسئولیتی که قانون برای کسانی که قانوناً "عهده دار نگاهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیرند مقرر داشته بر مبنای تقصیر آنان استوار است. این تقصیر بر حسب مورد تقصیر در مراقبت و مواظبت یا تقصیر در تعلیم و تربیت است. ارتکاب عمل زیانبار توسط صغیر یا

مجنون زیان دیدگان را بر آن می دارد که چنین بپندارند که اشخاص مذکر بر حسب مورد مرتکب یکی از دو تقصیر نامبرده یا حتی هر دوی آنها شده اند. در حقوق عهد باستان، همانند حقوق باستانی رم، مسئولیت پدر خانواده نه بر پایه فرض تقصیر (سوءمراقبت و مواظبت)، بلکه بر اساس اندیشه همبستگی خانوادگی استوار بوده است. از همین رو، در حقوق باستانی رم، پدر خانواده می توانسته است به جای پرداخت خسارت و تاوان با تحویل دادن فرد خطاکار (وارد آوردنده زیان) خویشان را از مسئولیت رها کند. برخی از دانشمندان بر آن هستند که در حقوق موضوعه، مسئولیت پدر مادر بیشتر بازتاب و ما به ازای ولایت واداری است که توسط قانون به آنان به اعطاشده است طبق نظری دیگر در این زمینه، که می توان آن را در ارتباط با نظر یاد شده انگاشت، مبنای سنتی مسئولیت پدر مادر، تقصیر آنان در تعلیم و تربیت و مراقبت و مواظبت فرزند است. اما واقع بینانه نخواهد بود اگر تصور شود که کودکی که به خوبی تعلیم و تربیت یافته هیچگاه، حتی به طور غیر ارادی، زیان به بار نخواهد آورد. از این رو، بر این مبنا، مصلحت و نفع قربانی عمل زیانبار نیز افزوده می شود چه، نفع زیان دیده در آن است که با شخصی بی چیز مواجه نشود. در همین زمینه، گفته شده است که ملاحظات مربوط به انصاف هم راهنمای مقنن بوده است، چه، در اغلب اوقات عامل مستقیم زیان توان مالی جبران خسارت را ندارد، از این رو، برای آنکه زیان وارده بر قربانی عمل زیانبار بدون جبران باقی نماند، انصاف ایجاب می کند بار جبران خسارت بر عهده کسی که ملزم به مواظبت و مراقبت از وی بوده و از تمکن مالی برخوردار است نهاده شود به گونه دیگر نیز می توان مسئولیت پدر و مادر را درک کرد: قربانی عمل زیانبار نمی تواند به آنچه که در داخل و درون خانواده می گذرد پی ببرد، از این رو، باید محاسبات و نقشه های والدین را که به جای آنکه خود شخصا عمل خلاف و زیانبار مورد نظر خویش را انجام دهند، فرزند خود را به اقدام به آن وامی دارند نقش بر آب ساخت. برخی با اشاره به اینکه پدران خانواده، ماجرا جویانی بزرگ هستند، مسئولیت آنان را بر مبنای خطری که بدین سان برای دیگران می افرینند استوار می کنند. بالاخره بعضی دیگر پدر و مادر را ضامن طبعی عیوب و نارساییهای شخصیت فرزندان خویش به شمار می آورند با توجه به اثری که عوامل اجتماعی در شکل گیری



شخصیت کودک و رفتار او دادر، برخی بر آن شده اند که می توان در کنار مسئولیت پدر و مادر، به طور فرعی و به عنوان مکمل ، از مسئولیت دولت سخن به میان آورد، امری که اگر اندکی دیگر مداخله دولت در امر آموزش و پرورش گسترش یابد، کمتر شگفت انگیز خواهد بود. اما وضع موجود در حال حاضر می تواند موجب کاهش و تعدیل مسئولیت پدر و مادر شود، زیرا در جامعه هر کس حتی خود قربانی عمل زیانبار می تواند خویش را باعث بخشی از صدمه ای ببیند که توسط کودک به بار می آید، چه ، اخلاق و عرف برای هر شخص کبیری در برابر کودکان اشخاص دیگر حق توییح و بازخواست و در مواردی که فوریت دارد نوعی اقتدار مربوط به حفظ نظم عمومی قائل است . همچنین برای توجیه برقراری فرض تقصیر علیه پدر مادر می توان به روحیه تقلید کودک استناد حست و، به تعبیری ، گفت که تقصیر کودک منعکس کننده تقصیر پدر مادر است . برخی از دانشمندان با توجه به واقعیات جامعه امروز، که پدر و مادر بیشتر وقت خود را صرف تلاش برای تامین معاش خانواده می کنند و فرزندان ، همینکه کمی بزرگ شدند، تحت نفوذ عامل بس موثر دیگری در مدرسه خارج از مدرسه قرار می گیرند، برای تمین منافع و مصالح قربانیان زینهای وارد توسط اطفال و فراهم آوردن موجبات جبران خسارت آنها به گونه ای مطمئن و نیز به منظور آنکه جبران این خسارات به پدر مادر لطمه مالی سنگینی وارد نیاید پیشنهاد می کنند که مبنای مسئولیت پدر و مادر (همبستگی و تعاون خانوادگی) باشد و انعقاد قرارداد بیمه مسئولیت در این زمینه برای آنان اجباری شود. ماهیت مبنای مسئولیت اشخاصی که بر حسب قرارداد عهده دار نگاهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیرند: از لحاظ ماهیت ، مسئولیت این اشخاص مسئولیتی قراردادی است ، چه ، از عدم اجرای یک قرارداد یا دقیق تر بگوئیم از عدم انجام تعهدات خاص پیش بینی شده در یک قرارداد نشات می گیرد . بدین مناسبت یادآور می شویم که اشخاصی که ممکن است بر حسب قرارداد عهده دار نگاهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر شوند می توانند از اشخاص طبیعی (مانند، مربی کودکستان و پرستار) یا از اشخاص حقوقی خصوصی (مانند، بیمارستانی خصوصی) باشند . اگر در این مقام از اشخاص حقوقی حقوق عمومی نام نبردیم ، بدان علت است که ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی برای آنها، تنها در

صورتی که زیان، ناشی از نقص وسایل ادارات و موسسات دولتی باشد، مسئولیت مقرر داشته است، بنابراین، اگر مجنونی که در بیمارستان روانی دولتی تحت درمان و مراقبتها است به کسی ضرر وار آورد، علی‌الاصول آن یک از کارکنان بیمارستان که در انجام وظیفه مراقبت از مجنون سهل‌انگاری و کوتاهی کرده مسئول جبران خسارت است. مبنای مسئولیت اشخاصی که بر حسب قرارداد عهده دار نگاهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیرند نیز تقصیر آنان، یعنی تقصیر در نگاهداری یا مواظبت است. پیشرفت و توسعه وسایل و لوازم سرگرمی کودکان و استفاده بیشتر آنان از دستگاههای مدرن امروزی از قبیل اینترنت، کامپیوتر و امثال آن از یک طرف و کم‌رنگ شدن نظارت و مواظبت والدین بر اطفال و سست شدن بنیان خانواده نسبت به زندگی سنتی قدیم از طرف دیگر و وجود بیماریهای متعدد روانی که ویژه زندگی پیچیده و مدرن قرن بیست و یکم است، ایجاب می‌کند که قانونگذاران در وضع قانون و قضات در رویه‌های قضایی، توجه خاصی به خسارات ناشی از اعمال و اقدامات این گروه از شهروندان مبذول دارند. قانون مدنی با اینکه حدود هشتاد سال قبل تصویب شده، مسئولیت مدنی صغیر و مجنون در آن مغفول نمانده است. ماده ۱۲۱۶ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون باعث ضرر شود ضامن است». ولی در این ماده از مسئولیت سرپرست آنان صحبتی نشده است. شاید از ماده ۳۳۲ در باب تسبیب (اقوا بودن سبب از مباشر) بتوان مسئولیت مدنی نگهدارنده (سرپرست) را استنباط کرد، اما ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی که سالها پس از قانون مدنی و در سال ۱۳۳۹ ش. به تصویب رسیده است، مسئولیت مدنی سرپرست را در صورت تقصیر در نگهداری به صراحت پذیرفته است. این ماده مقرر می‌دارد: کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد. بر خلاف نظر برخی از حقوقدانان از کلمه «کسی» در ماده مزبور نباید منحصرأفاده شخص حقیقی شود، این ماده اشخاص حقوقی اعم از حقوق عمومی



و حقوق خصوصی را در برمی گیرد؛ چنان که بسیاری از بیمارستانها و مهد کودکها که مجانین و کودکان در آنجا نگهداری می شوند، دارای شخصیت حقوقی هستند. حتی برخی از شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی نظیر سازمان بهزیستی قانوناً وظیفه نگهداری و حمایت از اطفال بی سرپرست را به عهده دارد. برای آنکه مسئولیت منی سرپرست و محافظ صغیر و مجنون تحقق یابد، نسخت باید دو شرط که وجود آنها در همه اقسام مسئولیت لازم است فراهم آید. این دو شرط که جنبه عام دارند عبارتند از: ورود زیان، در هر دعوی مسئولیت مدنی، خواهان باید ورود زیان به خویش را به اثبات برساند، و وجود رابطه سببیت، در اینجا نیز همانند هر دعوی دیگر مسئولیت مدنی، خواهان باید وجود رابطه سببیت میان عمل صغیر یا مجنون و زیان وارد بر خود را ثابت کند. علاوه بر این دو شرط عام، جهت اعمال ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تجمع شرایط دیگری که می توان آنها را شرایط خاص نامید ضرورت دارد. از این شرایط خاص، شرط نخست به اشخاصی که طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی پاسخگوی اعمال صغیر و مجنون هستند مربوط است، و شرط دوم مربوط به صغیر یا مجنون فاعل عمل زیانبار است.

۱- شرط مربوط به اشخاص مسئول: ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تنها پدر و مادر را مسئول جبران خسارت وارد شده توسط صغیر و مجنون نمی شناسد، بلکه به طور کلی این مسئولیت را بر عهده همه اشخاص می نهد که به موجب قانون یا بر حسب قرارداد عهده دار نگهداری یا مواظبت صغیر و مجنون هستند. این اشخاص علاوه بر پدر و مادر، بر حسب مودر، شامل جد پدری، وصی، قیم، پرستار، مربی کودکستان و مدیر بیمارستان میشوند. ولی باید دانست در بیشتر موارد این پدر و مادرند که باید پاسخگوی اعمال فرزندان باشند، چه، شمار کودکان بس فزونتر از تعداد دیوانگان است و در مورد کودکان، به طور معمول هنگامی سخن از مسئولیت اشخاص دیگر به میان می آید که برای مدتی محدود یا برای ساعاتی خاص در شبانه روز طبق قرارداد، مواظبت از آنها بر عهده دیگری قرار می گیرد یا آنکه بر اثر فوت پدر، بر حسب مورد، وصی یا قیم عهده دار مراقبت و مواظبت از آنان میشود. در مورد مجانین نیز، چنانکه می دانیم، اگر جنون متصل به صغر باشد، آنان همچنان تحت ولایت قهری قرار دارند، و اگر جنون در دوران کبر عارض شود، پدر و مادر در برگزیده شدن به عنوان قیم بر دیگران مقدم

هستند^۵ با توجه با توجه به این نکته در اینجا توجه خویش را به پدر مادر معطوف می کنیم . چنانکه در پیش مذکور افتاد، مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون و از جمله پدر مادر بر مبنای تقصیر آنان در نگهداری یا مواظبت استوار است^۶ از این رو، برخی از استادان بر آن هستند که مسئولیت ایناخصص ، جز در مورد اتلاف از سوی صغیر ممیز، علی الاصول مسئولیت ناشی از فعل غیر نیست ، زیرا آنان در حقیقت به خاطر تقصیر شخصی خویش مسئول شناخته شده اند^۷ ولی برخی دیگر با این نظر کاملاً^۸ موافق نیستند، زیرا تقصیر پدر و مادر سبب دور و غیر مستقیم خسارت است و این ، تقصیر یا عمل صغیر است که باعث عطف توجه به آن تقصیر دور می شود^۹ نکته در خور ذکر دیگر درباره تقصیر سرپرست و محافظ صغیر و مجنون و از جمله پدر و مادر در نگهداری یا مواظبت ، آن است که در لغت ، مواظبت به معنای محافظت ، مراقبت و تیمار داشتن و نگهداری به معنای محافظت ، پاسبانی ، حفظ، حراست ، پرورش ، مواظبت و مراقبت آمده است^{۱۰} چنانکه ملاحظه می شود، این دو کلمه دارای برخی معانی مشترک اند، ولی استادان حقوق مدنی این دو واژه را در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی دواصطلاح مترادف نمی انگارند^{۱۱} به طور معمول هنگامی از نگهداری سخن به میان می آید ک صغیر و مجنون نزد سرپرست بسر می برد و او نفقه یا به دیگر سخن ، معاش و وسایل گذران آنان را تامین می کند^{۱۲} چنانکه مذکور افتاد در لغت ، مواظبت به معنای محافظت ، مراقبت و تیمار داشتن است ، معنی حقوقی آن نیز از معنی لغوی به دور نیفتاده است ، چه در این مقام ، مراد از مواظبت ، به ویژه بعنوان یک تکلیف پدر و مادر، آن است که اگر فرزند آنان صغیر است نه تنها اعمال و رفتار، رفت و آمدها، نشست و برخاستها و معاشرتهای او را تحت نظارت و مراقبت قرار دهند، بلکه بر راهنمایی و تعلیم و تربیت او نیز همت گمارند، و اگر فرزند آنان مجنون است به فارخور و با توجه به حال او به تیمار داشتن وی بپردازند و با دقت لازم ، یا شخصاً^{۱۳} مراقب اعمال و رفتارشان باشند یا آنکه موجبات انجام این کار را فراهم آورند^{۱۴} باید یادآور شویم که تکلیف کسانی که بر حسب قرارداد عهده دار نگهداری و مواظبت از صغیر یا مجنون می شوند بیشتر و معمولاً^{۱۵} ناظر بر مواظبت است و چگونگی و حدود این مواظبت نیز به مضمون و محتوای قرارداد بستگی دارد. در این باره که آیا تکلیف ناگهداری و مواظبت



متضمن تعلیم و تربیت نیز هست یا نه، استاد دکتر کاتوزیان با آنکه پرداخت هزینه تربیت کودک را جزو وظیفه نگاهداری تلقی می‌کنند و مواظبت را نیز متضمن تعلیم و تربیت او می‌دانند، مرقوم می‌دارند (دراینکه آیا مواظبت و نگاهداری شامل (تربیت) کودک نیز هست و بعنوان (تقصیر در تربیت) نیز می‌توان سرپرست را مسئول قرارداد یا ماده ۷ ق.م. ضمان ناشی از تربیت را در بر نمی‌گیرد، راه حل روشنی در حقوق ما وجود ندارد، به زعم ما هنگامی که ایشان به درستی ابتدا نگاهداری و مواظبت را شامل تعلیم و تربیت کودک نیز می‌دانند، بهتر آن بود که با توجه به نفوذ کلامشان پس از آن از القای شک و تردید در این زمینه به اذهان پرهیز می‌کردند. به علاوه به موجب ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی (ابوین ملکف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدالم کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند) در برخی از کشورهای اسلامی، همانند، تونس، سوریه، عراق مراکش، تربیت اطفال در کنار نگاهداری از آنان از عناصر حضانت به شمار می‌رود. پرسش دیگری که در این مقام مطرح می‌شود آن است که آیا زندگی مشترک فرزند با پدر و مادر شرط تحقق مسئولیت پیش‌بنی شده در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی است یا خیر؟ در حقوق ایران اگر تقصیر در مواظبت، یعنی سبب نزدیکتر (در مقام مقایسه با تقصیر در تعلیم و تربیت) مورد توجه قرار گیرد می‌توان گفت که زندگی مشترک صغیر و مجنون با سرپرست شرط تحقق مسئولیت پیش‌بنی شده در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی است. از این رو، اگر یکی از والدین عهده دار حضانت فرزند باشد، علی‌الاصول او مسئول جبران خسارت وارد شده توسط این فرزند است. با توجه به این امر باید گفت که اگر به واسطه یک علت مشروع کودک نزد پدر و مادر بسر نبرد، مثلاً، برای گذراندن تعطیلات به منزل پدر بزرگ یا به اردوی تعطیلات تابستانی رفته باشد، دیگر از مسئولیت پدر یا مادر نمی‌توان سخن به میان آورد. ولی اگر در پی مشاجره یا نزاع، فرزند، فرار اختیار کرده باشد، این وضع مانع از تحقق مسئولیت پدر یا مادر نخواهد بود. همچنین باید بیفزاییم اگر پیوند زناشویی، مثلاً بر اثر بی بندوباری مرد و سوء رفتار او و اسوه بد بودنش برای فرزندان، از هم گسسته شده و حضانت فرزند بر عهده مادر واگذار شده باشد، نمی‌توان گفت که در چنین حالتی همیشه بدان جهت که فرزند با مادر



زندگی می کند مادر مسئول جبران خسارات ناشی از عمل این فرزند است ، زیرا چه بسا ارتکاب عمل زیانبار توسط فرزند نتیجه بدآموزیهای همان پدر باشد که با اعمال ناشایست خویش باعث متلاشی شدن کانون خانواده شده است . همین نظر را می توان در موردی به کار بست که کودک ، مثلاً " برای گذراندن تعطیلات ، نزدیکی از خویشاوندان بسر برد و عمل زیانبار ارتكابی توسط او نتیجه تعلیم و تربیت غلط والدین باشد

۲- شرط مربوط به صغیر و مجنون: برای آنکه سرپرست و محافظ صغیر و مجنون را بتوان مسئول جبران زیانهای وارد آمده توسط اینان دانست ، نخست باید احراز شود که در مورد صغیر و مجنون ، این فاعلان عمل زیانبار، شرایط مسئولیت تحقق یافته است . بنابراین ، اگر یک علت موجهه یا عدم انتساب ، همانند قوه قاهره یا تقصیر قربانی عمل زیانبار، صغیر یا مجنون را از مسئولیت مبرا سازد یا آنکه مسئولیت او را کاهش دهد، سرپرست و محافظ آنان از این وضع منتفع می شوند . این شرط کاملاً قابل توجه است ، چه ، هنگامی که مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون مبتنی بر تقصیر آنان است ، نمی توان ایشان را مورد ملامت و سرزنش قرار داد و در نتیجه ، مقصرانگاشت که چرا با انجام عملی متعارف و عادی توسط صغیر یا مجنون مخالفت نورزیده اند. لذا، عمل صغیر و مجنون باید چنان باشد که اگر از یک فرد متعارف ، محتاط و آگاه صادر می شد برای او مسئولیت مدنی در پی می داشت . بر این اساس ، در مورد اعمال زیانبار صغیر و مجنون ، در مسئولیتهای بدون تقصیر، همانند مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و مسئولیت ناشی از اتلاف مال غیر، با مشکلی روبه رونمی شویم ، چه ، در آنها عامل ورود زیان اگر بالغ و عاقل نیز باشد، باز زیان دیده برای مطالبه خسارت وارد بر خویش نیاز به اثبات تقصیر آنان ندارد . در مسئولیتهای مبتنی بر تقصیر نظیر مسئولیت ناشی از تسبیحی و مسئولیت پیش بینی شده در ماده ۱ مسئولیت مدنی در مورد اعمال زیانبار صغیر ممیز همانند مورد پیشین با مشکلی مواجه نمی شویم ، چه ، با توجه به آنکه چنین صغیری از قوه تمیز و تشخیص برخوردار است ، اتساب تقصیر به وی میسر است و لذا، برای احراز مسئولیت وی باید تقصیرش توسط خواهان به اثبات برسد . ولی وقتی که فاعل عمل زیانبار یک صغیر غیر ممیز یا یک مجنون است ، مشکل احراز مسئولیت رخ می نماید و



نظرها با یکدیگر اختلاف پیدا می کند، زیرا در چارچوب نظریه تقصیر شخصی (نظریه سنتی تقصیر) به کسی که فاقد قوه تمیز و تشخیص است اخلاقاً نمی توان ارتکاب تصیری را نسبت داد و پیروی از این نظر باعث می شود که صغیر غیر ممیز و مجنون، مقصر و در نتیجه مسیول انگاشته نشوند و در پی این امر، سرپرست و محافظ آنان نیز مسئول جبران خسارت زیاننده شناخته نشوند. ناگفته پیداست که چنین وضعی منطبق با موازین عدل و انصاف نیست. این است که علمای حقوق، رویه های قضایی و قانونگذاران در کشورهای مختلف برا پرهیز از این وضع تمهیداتی اندیشیده اند.

برخی از دانشمندان که می خواهند به مفهوم سنتی تقصیر پایبند باقی بمانند در این مقام قائل به استثناء می شوند و بر این باورند که در اینجا باید یک علت عدم انتساب را استناد کرد و آن علت عبارت است از فقدان قوه تمیز و تشخیص در عامل ورود زیان (صغیر غیر ممیز یا مجنون) در مورد صغیر، طبق این نظر اگر صغیر به سنی رسیده باشد که معمولاً "قوه تمیز و تشخیص در کودکان پدید می آید و قوای دماغیش دچار ختلاف نشده باشد، اثبات ارتکاب تقصیر توسط او لازم است و در غیر این صورت، چنین ضرورتی در میان نیست. اینگونه تمایز قائل شدن غیر موجه و غیر منطقی تلقی و گفته شده است که یا احراز تقصیر صغیر برای مسئول انگاشتن سرپرست یا محافظ او لازم است، و لذا، باید همه نتایج مترتب بر این امر را پذیرفت و به ویژه بر آن شد که صغیری که فاقد قوه تمیز و تشخیص است نمی تواند مرتکب تقصیر شود و در نتیجه، عمل وی برای سرپرست یا محافظش مسئولیت در پی نخواهد داشت، یا آنکه در این مقام، تقصیر صغیر لازم نیست و سرپرست یا محافظ وی در هر حال، چه صغیر دارای قوه تمیز و تشخیص باشد و چه نباشد، مسئول جبران خسارات ناشی از عمل زیانبار او است. گروهی دیگر گام فراتر نهاده و قائل بدان شده اند که برای تحقق مسئولیت پدر و مادر مقصر بودن فرزند ضرورت ندارد. بر مبنای این نظر در حقوق ایران می توان گفت که ارتکاب تقصیر توسط صغیر و مجنون شرط تحقق مسئولیت سرپرست یا محافظ آنان نیست، چه، مسئولیت سرپرست و محافظ مبتنی بر تقصیر خود ایشان است. ولی در اینجا پرسشی که مطرح می شود آن است که هنگامی که عمل شخص تحت سرپرستی و مواظبت تقصیر کارانه نبوده، چگونه



می توان سرپرست یا محافظش را مقصیر انگاشت که چرا او را از ارتکاب عملی متعارف باز نداشتی است؟ بدین سان، در واقع مبنای مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون و از جمله مبنای سنتی مسئولیت پدر و مادر، که همانا تکلف مراقبت و مواظبت و تعلیم و تربیت است، نفی می شود. این است که برخی از طرفداران نظریه اخیر بر آن هستند که مبنای مسئولیت پدر و مادر علاوه بر تکلیف مراقبت و مواظبت و تعلیم و تربیت، (تضمن عیوب شخصیت کودک) است. مبتکران و طرفداران نظیه جدید تقصیر که می خواهند مسئولیت مدنی را به طور کامل از مسئولیت کفبری جدا و متمایز کنند، تنها مسئولیت کفبری را مستلزم برخورداری از قوه تمیز و تشخیص می دانند و بر این عقیده اند که یک صغیر غیر ممیز یا یک مجنون نیز اگر رفتار زیانبارش در اوضاع و احوال خاصی منطبق با رفتار یک شخص متعارف و آگاهو محتاط در همان اوضاع و احوال نباشد مرتکب تقصیر مدنی شده است و در نتیجه، مسئولیت مدنی جبران خسارت متوجهش می شود. بدین ترتیب، هواداران نظریه جدید تقصیر، که شرط تحقق مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر مجنون را آن می دانند که نخست برای صغیر و مجنون مسئولیت به وقوع پیوست باشد، در احراز مسئولیت مبتنی بر تقصیر صغیر غیر ممیز و مجنون دچار مشکلی نمی شوند، چه، آنان با حذف عنصر اخلاقی از شمار عناصر تقصیر، همین که یک شخص (از جمله، یک صغیر غیر ممیز و مجنون) رفتاری در پیش گیرد که خلاف رفتار یک شهروند خوب باشد و در نتیجه، از لحاظ حقوقی، رفتارش غیر عادی و نامتعارف تلقی شود او را مقصر می انگارند. به نظر می رسد برای آنکه مبنای اخلاقی تقصیر را از آن باز نستانیم، بهتر آن است که تقصیر را از نامشروع و خلاف بودن متمایز کنیم. عمل نامشروع یا خلاف فعل یا ترک فعلی است که بوسیله آن یک شخص حکمی عام را که متضمن الزام به انجام یا منع از انجام کاری است و توسط حقوق موضوعه به منظور حمایت از افراد وضع شده است نقض می کند. لذا، نامشروع و خلاف بودن نقض عینی یک قاعده است، یا به دیگر سخن، نقض یک قاعده حقوقی به خودی خود یک عمل نامشروع خلاف است، در حالی که در تقصیر، توجه به جنبه شخصی، ذهنی و روانی این نقض معطوف است توضیح آنکه جهت تحقق مسئلتی مبتنی بر تقصیر کافی نیست که یک شخص عملی مرتکب شده باشد که به



خودی خود نامشروع و خلاف است. بلکه علاوه بر این باید بتوان ارتکاب آن عمل نامشروع و خلاف را به اراده و خواست وی منتسب کرد. به تمیز و تشخیص باشد و این اهلیت دارای دو عنصر است: یکی عنصر روانی و ذهنی، یعنی ارزیابی مشروع یا نامشروع بودن عمل خویش، و دیگری عنصر ارادی، یعنی قوه هدایت رفتار خویش طبق ارزیابی انجام یافته. همچنین گفته شده است که قوه اقدام کردن به گونه عقلایی، در عین حال متضمن قوه درک معنا و مفهوم و پیامدهای عمل خویش (شعور) و قوه انطباق رفتار خود با این درک و تمیز و تشخیص (اراده) است. با توجه به آنچه مذکور افتاد می‌توان بر آن شد که جهت تحقق یافتن مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون فعل یا ترک فعل شخص تحت سرپرستی و مراقبت باید نامشروع و خلاف باشد.

بخش سوم: وجود ضرر، تقصیر در نگهداری و فعل زیان‌بار

الف) وجود ضرر: وجود ضرر، شرط اساسی و اولیه برای مصداق یافتن مسئولیت مدنی است. اگر عملی هرچند نامتعارف و ناشایست حتی جرم باشد، چنانچه خسارتی به بار نیاورد، مسئولیت مدنی مصداق نمی‌یابد؛ بنابراین، وجود یک ضرر اعم از مادی یا معنوی برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است. بررسی ضرر و انواع آن و شرایط ضرر قابل مطالبه از بحث ما خارج است. درباره ضرر معنوی لازم به توضیح است که در سال ۱۳۷۸ که قانون آیین دادرسی کیفری به طور آزمایشی و برای مدت سه سال، طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون قضایی تصویب شد و تاکنون هم به تصویب نهایی نرسیده است. در این قانون، خسارات معنوی از ردیف خسارتهای قابل مطالبه که در بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق آمده بود، حذف شده است. حذف این بند هیچ توجیه حقوقی ندارد. با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی که خسارت معنوی را به صراحت پذیرفته و قوانین عادی از جمله قانون مسئولیت مدنی که خسارت معنوی را همانند خسارت مادی قابل مطالبه دانسته است، باید گفت: خسارت معنوی مانند خسارت مادی قابل مطالبه است. امروزه اهمیت خسارت معنوی در دنیا کمتر از خسارت مادی نیست. جای تأسف است که قانونگذار ما در قرن بیست و یکم، این نوع خسارت را که حدود هشتاد سال قبل در قانون مجازات عمومی و پس از آن در قانون آیین



دادرسی کیفری و ۴۶ سال پیش در قانون مسئولیت مدنی مورد قبول قانونگذاران قبلی قرار گرفته، خسارت به شمار نیاورده و قابل مطالبه ندانسته است. جای خوشحالی است که معدودی از دادگاهها خسارت معنوی را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن حکم صادر می‌کنند؛ اگرچه این آرا بسیار محدود و نادر است، امید است که رویه قضایی، آن را تعمیم دهد و خلأ قانونی را جبران نماید.

ب) تقصیر در نگهداری: یکی دیگر از شرایط تحقق مسئولیت مدنی سرپرست صغیر یا معجون، تقصیر او در نگهداری یا مواظبت از این دسته از محجورین است. تقصیر برابر ماده ۹۵۳ قانون مدنی، اعم است از تفریط و تعدی. تعدی و تفریط در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ همین قانون تعریف شده است؛ چنانچه سرپرست خواه قانونی یا قراردادی در نگهداری از حدود متعارف یا اذن تجاوز نماید و یا عملی را که به موجب قرارداد یا عرف برای نگهداری لازم است، ترک نماید، مرتکب تقصیر در نگهداری شده است. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که اگر سرپرست در تربیت صغیر کوتاهی کند و او موجب خسارت به دیگری شود، آیا سرپرست مسئول جبران خسارت وارده هست یا خیر؟ به عبارت روشن‌تر، آیا تقصیر در تربیت می‌تواند تقصیر در نگهداری به شمار رود و مضمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی گردد؟ به نظر می‌رسد پاسخ، مثبت باشد؛ زیرا کودکی که درست تربیت نشده باشد، در نگهداری و مواظبت از او کوتاهی صورت گرفته است. چنین کودکی اگر به دیگران خسارت بزند، سرپرست به لحاظ تقصیر در نگهداری مسئول است. یکی از مبانی اماره تقصیر پدر و مادر که در بند ۷ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی کشور فرانسه آمده است، عدم تربیت صحیح است. این قانون می‌گوید کودکی که به دیگری خسارت می‌زند، یا درست نگهداری نشده یا تربیت صحیح ندارد؛ بنابراین، پدر و مادر مسئول جبران چنین خسارتی هستند مگر اینکه ثابت کنند جلوگیری از ورود خسارت از توان آنها خارج بوده است.

ج) فعل زیان‌بار صغیر: به طور کلی، یکی از شرایط مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار است. اگر خسارتی به شخصی وارد شود، ولی این خسارت ناشی از اقدام و عمل کسی نباشد، مسئولیت و ضمانتی هم در بین نیست؛ برای مثال، خسارتی که در اثر عوامل طبیعی از قبیل زلزله، سیل، طوفان



و امثال آن به اشخاص وارد می‌شود، مسئولیتی متوجه کسی نمی‌کند. برای تحقق مسئولیت، وجود فعل زیان‌بار ضروری است. در مورد مسئولیت سرپرستان هم باید کودک یا مجنون مرتکب عملی شود که ضرر از آن ناشی شده باشد و لازم است که ارتکاب این فعل، توأم با تقصیر باشد؛ زیرا طبق قاعده کلی مندرج در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت مدنی علی‌الاصول تقصیر است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود». بنابراین، اگر کسی بدون تقصیر، موجب خسارت به دیگری شود، مسئولیتی در جبران آن نخواهد داشت. صغیر یا مجنون هم از این قاعده مستثنا نیستند؛ زیرا معقول نیست که با مجنون یا صغیر شدیدتر از افراد معمولی برخورد شود. ممکن است ایراد شود که صغیر یا مجنون اراده و قوه ادراک ندارند تا بتوان تقصیر را به آنها نسبت داد، در پاسخ می‌توان گفت: منظور از تقصیر در اینجا تقصیر عمدی که نیاز به اراده دارد نیست، بلکه رفتار آنان با انسان متعارف و معمولی سنجیده می‌شود. اگر بر حسب اتفاق، رفتار صغیر یا مجنون متعارف بود، هرچند از این رفتار خسارتی هم به بار آمده باشد، قابل مطالبه و جبران نیست؛ در نتیجه، اگر سرپرست در نگهداری تقصیر کرده، ولی صغیر یا مجنون بدون اینکه مرتکب عمل نامتعارفی شود، خسارتی به دیگری وارد کند، سرپرست مسئولیتی در جبران خسارت ندارد.



بخش چهارم: نحوه جبران خسارت

در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، قانونگذار، سرپرست صغیر یا مجنون را که در نگهداری او کوتاهی کرده، مسئول جبران خسارت دانسته و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد.... حکم قسمت دوم این بخش از ماده، یعنی جبران خسارت از مال صغیر یا مجنون، بر خلاف قاعده کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی آمده، می‌باشد؛ با وجودی که شخص مقصر (سرپرست) مشخص و معلوم است، چرا باید مجنون یا صغیر خسارت را جبران کنند؟ در این مورد، دو فرض قابل تصور است: یکی اینکه زیان جبران‌نشده باقی بماند و زیان‌دیده منتظر ملائت عامل زیان شود، دیگر اینکه خسارت از مال صغیر یا مجنون جبران شود. قانونگذار فرض

دوم را برگزیده و ضرر را بر کسی تحمیل کرده که باعث آن بوده است. سؤال مطرح این است که در صورت عدم امکان جبران تمام یا قسمتی از خسارت از سوی سرپرست، آیا صغیر یا مجنون شخصاً مسئول جبران خسارت‌اند یا اینکه خسارت از مال آنان به قائم‌مقامی سرپرست جبران می‌شود و در صورت ملائت سرپرست می‌توانند خسارتی را که به جانشینی از او جبران کرده‌اند، از وی وصول نمایند؟ برخی از اساتید، مجنون یا صغیر را در طول سرپرست مسئول دانسته‌اند؛ چنانچه سرپرست مقصر، امکان جبران خسارت را نداشته باشد، صغیر یا مجنون باید خسارت را جبران کنند. با توجه به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به نظر می‌رسد صغیر یا مجنون شخصاً مسئول نباشند و جبران خسارت از مال آنان به قائم‌مقامی سرپرست و برای رعایت حال زیان‌دیده باشد. فرض کنید، تیمارستانی به موجب قرارداد و در قبال دریافت وجه، نگهداری مجنونی را به عهده گرفته است. بر اثر بی‌توجهی و اهمال کارکنان تیمارستان، مجنون فرار می‌کند و خسارات سنگینی به اشخاص وارد می‌کند. طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی اگر تیمارستان امکان جبران خسارت را نداشته باشد، باید از مال مجنون جبران شود؛ چنانچه تیمارستان ثروتمند شود و استطاعت پرداخت خسارتی را که در اثر تقصیر او به وجود آمده، پیدا کند، آیا عادلانه است که این ضرر همچنان بر مجنون تحمیل شود و تیمارستان دین مسلم خود را نپردازد؟ به موجب کدام قاعده حقوقی، عسرت مدیون سبب سقوط دین می‌گردد؟ حداکثر امتیازی که در قوانین برای معسر در نظر گرفته شده، دادن مهلت یا قرار اقساط برای پرداخت بدهی است.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد چنانچه طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، خسارت از مال صغیر یا مجنون جبران گردد، او بتواند آن را از سرپرست مطالبه کند. نکته دیگری که در ماده ۷ قابل تأمل است، قسمت آخر این ماده می‌باشد که مقرر داشته: «در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی باشد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نگردد». در این مورد هم باید گفت: زیان ساقط نمی‌گردد و زیان‌دیده باید منتظر رفع عسرت جبران‌کننده بماند و در هنگام ملائت، خسارتی را که جبران نشده، از او مطالبه کند. سؤال مطرح در اینجا





این است که در صورتی که صغیر یا مجنون، بدون اینکه سرپرست، تقصیری در نگهداری کرده باشد، خسارتی به دیگری بزنند و طبق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی شخصاً ناگزیر از جبران زیان باشند، باز هم قسمت آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی قابل اجراست یا اینکه جلوگیری از عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان، اختصاص به موردی دارد که طبق همین ماده (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) صغیر یا مجنون ناگزیر از جبران خسارت ناشی از تقصیر سرپرست خود می‌گردد. اگر فلسفه وجودی قسمت آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، جلوگیری از عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان باشد، تفاوتی نمی‌کند که این زیان را صغیر یا مجنون شخصاً جبران کند یا به قائم‌مقامی از سرپرست جبران گردد؛ در هر دو صورت، تنگدستی باید مانع جبران خسارت شود. به نظر می‌رسد این حکم را به تمام مواردی که شخص ناگزیر از جبران زیان می‌شود، بتوان تسری داد. مسئله‌ای که از نظر آیین دادرسی در مورد ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی باقی می‌ماند، این است که آیا زیان‌دیده باید دعوای خود را به طرفیت سرپرست و مجنون یا صغیر مجتمعاً مطرح کند یا اینکه تنها سرپرست را طرف دعوا قرار دهد و چنانچه نتواند حکم را علیه او اجرا کند، از اموال صغیر یا مجنون وصول نماید. اشکال این فرض این است که حکمی را علیه صغیر یا مجنون اجرا می‌کنیم که آنها نسبت به آن دفاع نکرده‌اند. البته در صورتی که سرپرست، نمایندگی قانونی صغیر یا مجنون را هم داشته باشد، مانند ولی، وصی یا قیم، این اشکال منتفی است، ولی چنانچه سرپرست فقط مسئول نگهداری باشد و نمایندگی قانونی نداشته باشد، مانند تیمارستان، مهد کودک، مربی ورزش و امثال آن، اشکال همچنان باقی است. در این گونه موارد بهتر است از ابتدا، سرپرست و مجنون و صغیر با هم طرف دعوا قرار گیرند تا امکان دفاع برای همگی آنان باشد. در صورتی که حکم بدون دخالت نماینده قانونی صغیر یا مجنون صادر شود، آنان حق اعتراض نسبت به آن حکم را به عنوان شخص ثالث خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

مسئولیت صغیر یا مجنون یکی از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر است که استثناً بر قاعده شخصی بودن مسئولیت می‌باشد. مسئولیت سرپرست مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی

مبتنی بر تقصیر است؛ یعنی سرپرست وقتی مسئول جبران زیان است که در نگهداری یا مواظبت از صغیر یا مجنون کوتاهی کرده باشد، علاوه بر آن، فعل زیان بار مجنون یا صغیر هم فعل نامتعارف باشد. پدر و مادر عرفی مسئول خسارات ناشی از فعل فرزند نامشروع (ولد زنا) می‌باشند و از لحاظ مواظبت و نگهداری، تفاوتی بین فرزند مشروع و نامشروع وجود ندارد. جبران خسارت از اموال صغیر یا مجنون در صورت عدم استطاعت سرپرست آنان، خلاف قواعد عمومی مسئولیت مدنی است و سرپرست در صورت ملاتت باید خسارتی را که از اموال صغیر یا مجنون جبران شده، به آنان بپردازد.



منابع و ماخذ

- ۱- اسدی بهنام، دوره چهار جلدی حقوق مدنی، انتشارات قانون یار، چاپ هفتم
- ۲- سیدحسن امامی، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیه، چاپ یازدهم، تهران
- ۳- امام خمینی، تحریرالوسیله، جلد ۱
- ۴- سیدحسین صفایی و اسدالله امامی، مسئولیت مدنی
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی، تهران، گنج دانش
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، چاپ سیروس
- ۷- صفایی، سیدحسین، مجله حقوق وزارت دادگستری، شماره ۱۶
- ۸- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۹- کاتوزیان، حقوق مدنی: حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا

